

سبک‌شناسی حماسه ملی ایران

نویسنده:

دکتر هوشنگ محمدی افشار

(عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان)

تابستان ۱۳۹۹

سرشناسه: محمدی افشار، ۱۳۴۱-

عنوان قراردادی: شاهنامه. برگزیده. شرح

عنوان و نام پدیدآور: سبک شناسی حماسه ملی ایران / نویسنده هوشنگ محمدی افشار.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات امید مجد، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۵۵۰ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۱۵-۹۸-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۵۳۱-۵۴۷

موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه - نقد و تفسیر

موضوع: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh—Criticism and interpretation

موضوع: زبان - سبک شناسی

موضوع: Language and languages—Style

شماره افزوده: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh

ردیف بنده: PIR ۴۴۹۵

رده بنوی دیوبند: ۸۱۶/۲۱

شماره کتابخانه ملی: ۶۲۴۶۵۳۷

عنوان: سبک‌شناسی حماسه ملی ایران

نویسنده: دکتر هوشنگ محمدی افشار

ناشر: امید مجد

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۹

تیراژ: یکصد نسخه

چاپخانه و صحافی: دیجیتال نشاط

قیمت: هشتاد هزار تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۱۵-۹۸-۴

دیباچه

پی افغندم از نظم کاخی بلند
که از باد و بارانش ناید گزند
بر ایام نامه پر، سال‌ها بگذرد
همی خواند آن‌کس که دارد روانش خرد
(۲۳۸/۵)

شاهنامه عصاره فرهنگ و تمدن مردمی فرزانه است که از سپیده‌دمان اساطیر و هزاره‌های نیمه راموشنده تاکنون، با آئین‌های آن زیسته و شادی‌ها و اندوهان خویش را در آن آئینه بازتاب یافته دیدم.

این اثر سترگ علاوه بر آن که یکی از شاهکارها و آثار فاخر ادبیات و فرهنگ جهانی است، و منظومه‌ای است که نظم سه‌صد ساله فرهنگ روزگاران باستان در آن متبلور است، برجسته‌ترین مفاخر ملی و حماسه‌انگیز و مردم‌پسند ایران است.

هر ملت بزرگ باستانی و دارای فرهنگ غنی، برای تکوین خود حماسه‌ای آفریده است که باید به دست سخنوری زبردست زباینده و مروده‌شود و زنده‌گردد. حماسه تاریخ زنده و نماینده روح ملتی است که هنوز نفس می‌تپد و در گستره تاریخ و جغرافیای جهان احساس شخصیت می‌کند و برای ادامه زندگی و رهبری این جهان نیاز به آفرینشگری دارد. این ملت به طبع با رجوع به جوهر زبانی و شعله‌های رازناک قوم خود که پهلوانان و فرهنگ جاودانه خویش است، به مردمان روزگار خرد نشان می‌دهد که این گوهر در ذات اوست و همواره ققنوس وار سبب آفرینش توانایی‌ها و پیروزی‌های تمدن‌ساز است.

شاهنامه فردوسی مهم‌ترین اثری است که ایران پس از اسلام را به ایران روزگاران باستان پیوند داده است و زبان پارسی که حکیم دانشور توس ایران را دوباره بدان زنده کرده است، زبانی است پرورده و بالنده و ظرفیت و قوام آن را یافته است که همه تلاش‌های سیاسی و فرهنگی که برای احیاء و بازگرداندن دوباره استقلال و شخصیت ایران بزرگ به کار رفته است، به زبان شعر بیان کند. حکیم در روزگاری اقدام به نظم نامه باستان کرد که داستان‌های ملی ایران ترجمه و گردآوری شده و شاعرانی چند نیز در

آن طبع‌آزمایی کرده‌بودند و به‌طورکلی نیاز ملی برای پدیدآمدن «حماسه بزرگ ایران» فراهم شده‌بود و آنگاه فردوسی پای به این میدان ناپیدا کرانه نهاد.

درباره زبان، بیان و اندیشه‌های شاهنامه، پژوهش‌های روشمند و کاملاً علمی توسط شاهنامه‌پژوهان و پژوهشگران دانشمند در زمینه‌های گوناگون انجام شده‌است و نگارنده اذعان می‌کند بسیاری از مطالبی که در تحقیق پیش رو آمده‌است، به صورت‌های جداگانه در دیگر تحقیقات ممکن است قابل ملاحظه باشد؛ اما این پژوهش‌ها در یک طرح منسجم و با یک نگاه و در خدمت موضوعی واحد از دیدگاه سبک‌شناسانه در یک جا جمع شده‌است. و این اثر پاسخی به همین نیاز است.

در این پژوهش با توجه به اهمیت موضوع «سبک» و «سبک‌شناسی» متون کهن، ضمن تحلیل جایگاه این مقوله در تحقیقات و سنت مطالعات ادبی و بیان رابطه «سبک حماسی» با «رعایای حماسه»، به ارزش و ضرورت این دانش در شاهنامه می‌پردازیم. «سبک‌شناسی حماسه ملی ایران» در سطوح و لایه‌های «زبانی، بیانی، موسیقایی و اندیشگانی» در چهار زمینه: آوا، زبان، هنر و موسیقی، بیان، اندیشه و آراء، به مطالعه و بررسی و تحلیل شیوه سخن‌پردازی در شاهنامه می‌پردازد و «روش خاص ادراک و بیان اندیشه‌ها و طرز تعبیر» (بهر، ۱۱۳۱، ج ۱: هجده) و شیوه نگرش حکیم دانشور توس را که توسط واژه‌ها و ترکیبات و صور خن و ویژه، ادا شده‌است، تبیین می‌کند.

محدوده تحقیق، از آغاز شاهنامه - دوران اساطیری - تا پایان روزگار پهلوانی و آغاز دوره تاریخی را دربرمی‌گیرد. در بهره نخست، ویژگی‌های آوایی، زبانی، لغوی و نحوی بررسی و تحلیل گردیده‌است؛ بدین ترتیب که کیفیت معانی و شاعر با زبان روزگار خویش مطالعه و کاربرد آن در موضوع «حماسه» بررسی شد. و از آن گردیده‌است چرا زبان فردوسی به زبان امروز نزدیک‌تر از زبان معاصران وی است.

در بهره دوم، انواع موسیقی شعر در شاهنامه بررسی شده و نقش تکرار و آرایه‌های مؤثر در موسیقی و لحن‌ها و کیفیت خاص بیان به هدف القاء حالات و احساسات و عواطف گوناگون، توصیف و تحلیل گردیده‌است.

در بهره سوم (بیان)، شگردهای خاصی که به هدف برجسته‌سازی و هنجارگریزی و آشنایی‌زدایی بیشتر مؤثر هستند، بیان و تحلیل سبکی گردیده‌است.

در بهره چهارم و فصل نهایی، نوع نگاه و شیوه برخورد حکیم به‌عنوان راوی داستان‌ها با موضوعات گونه‌گون و کیفیت تأمل و حضور وی در مواضع متفاوت، توصیف

و اندیشه‌های فلسفی، حکمی، اخلاقی و چگونگی مواجهه گوینده با اساطیر و خوارق عادات، باورها، آئین‌ها و مسائل اجتماعی روزگار باستان و سرچشمه‌های فرهنگ اسلامی تبیین گردیده‌است.

در باره شیوه پژوهش لازم به ذکر است که به اختصار توضیح داده‌شود؛ روش کار به تبع همان شیوه دانشمندان برجسته ای چون زنده یاد استاد محمد تقی بهار، استاد ذبیح الله صفا و استاد محمد جعفر محبوب انجام شده است؛ یعنی روش و نگاه سنتی و شمی. اما پیش از آنکه به توصیف سبک فردوسی در شاهنامه پرداخته شود، بیشتر جنبه تحلیلی آن مد نظر بوده‌است که از جای جای پژوهش می‌توان علل گزینش‌ها و نوع نگاه را به بارگریزی‌ها و کیفیت کاربردهای سبکی دانشور توس را با ذکر اسباب مورد نظر استنباط کرد.

در همه فصل‌ها به دوره فصل ویژگی‌های موسیقایی و اندیشه‌ها و باورها، نگاه‌های تازه‌ای به مسائل سبک شده است، اما نویسنده اقرار می‌کند که وامدار همه آن دانشمندان بزرگوار است.

نکته گفتنی دیگر این‌که در حال مایی که این تحقیق نوشته می‌شد (سالهای نخست دهه هشتاد)، تعداد کتاب‌ها مربوط به موضوع سبک و سبک‌شناسی در ایران، چه نظری، چه عملی، تألیف و ترجمه از شمار انگشتان دو دست فراتر نمی‌رفت و در ضمن، بررسی آثار متون ادبی کهن نیز ایجاب می‌نمود که بهترین شیوه تحلیل سبکی همین شیوه متعارف باشد. دیگر نگاه‌ها و مکتب‌های نین سبک‌شناسی در باره موضوع مورد بحث اغلب مربوط به موضوعاتی از نوع نمایشنامه، داستان و رمان و دیگر مباحث است و هرکدام از جنبه و زاویه‌ای با آثار ادبی مرتبط است و پایه‌های دیگر از حوزه ادبیات نیز بیرون است که جای بحث آن در این محدوده نمی‌گنجد.

نسخه اساس در پژوهش «سبک‌شناسی حماسه ملی»، چاپ انتشاراتی شاهنامه از سوی آکادمی علوم اتحاد شوروی مشهور به «چاپ مسکو» است که طی سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۱ میلادی زیر نظری ا. برتلس و همکاران ایشان در نه مجلد بر پایه چندین دست‌نوشته شناخته شده، یعنی نسخه لندن موزه بریتانیا (مورخ ۶۷۵ ه. ق) تصحیح شده است.

دلایل ترجیح چاپ مسکو نسبت به دیگر نسخه به ویژه نسخه فلورانس (مورخ ۶۱۴ ه. ق)؛ یکی زمان آغاز این پژوهش است که میان سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ انجام می‌

گرفت و در این سال‌ها نسخه شناخته‌شده آکادمیک همان چاپ مسکو بود و کار تصحیح و چاپ و انتشار همه مجلدات شاهنامه استاد دکتر جلال خالقی مطلق هنوز به پایان نرسیده بود (تاریخ انتشار دفتر اول ۱۳۶۶ و دفتر پایانی ۱۳۸۶ است) و دیگر، ناهمخوانی‌های آوایی و واژه‌ای و تلفظی و رسم الخطی در نسخه مورد نظر که در فاصله زمانی این پژوهش مقالات و پژوهش‌های انتقادی در تأیید و تکذیب آن نوشته می‌شد و طبعاً نگارنده به دنبال نسخه‌ای قابل اتکاءتر برای یادداشت‌برداری و پژوهش بود.

دلیل دیگری هم وجود دارد که استاد دکتر رواقی (ر. ک. فرهنگ شاهنامه، ۱۳۹۰، صفحات هفده تا چهل و چهار مقدمه) به آن‌ها اشاره کرده است؛ از جمله: این که دستنویس فله‌انس، متن کامل شاهنامه نیست و تنها نزدیک به ۲۲ هزار بیت از حماسه بزرگ ملی ایران را دربردارد و دیگر آن که دستنویست مورد نظر بی هیچ تردیدی در حوزه زبانی فردوسی نبوده نشده است و بی‌گمان به دست کسی کتابت یافته که از مردم فرارود (ماوراءالنهر) است که ما را از زبان فردوسی و زبان نوشتاری و معیار شاهنامه دور خواهد کرد.

از نظر دانش گونه‌شناسی، فارسی حوزه جغرافیایی توس در سده‌های چهارم تا هفتم با حوزه ماوراءالنهر تفاوت‌های باری دارد و در طول پژوهش هم ثابت کرده‌ایم که حکیم فردوسی زبانی را که برای سرایش حماسه ملی برگزیده است کمتر از عوامل گویشی و گونه‌ای زبان مردم توس هم بهره‌برداری نکرده است. به زبان هنجار فارسی که همان زبان بیهقی، غزالی، عنصرالمعالی و خواجه نظام الملک است، سخن گفته است و اگر جز این بود، شاهنامه نمی‌توانست گستردگی ذهنی و فکری و کارکردهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود را در ازی تاریخ چنان که باید نشان دهد. (نبرهان‌ها: چهل و چهار) و قادر به بیان مضامین و موضوعات متنوع و لحن‌های گوناگون بود و توانایی برقراری ارتباط با نسل‌ها و نگاه‌های متفاوت را تا زمان حاضر نداشت.

در پژوهشی که به دوستداران و خوانندگان شاهنامه تقدیم می‌گردد، علاوه بر نسخه نامبرده، از یادداشت‌های استاد خالقی مطلق، شاهنامه چاپ ژول موهل، چاپ بروخیم، چاپ مرحومان فروغی و یغمایی، چاپ امیربهادر، داستان‌های بنیاد شاهنامه و مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، همچون داستان سهراب، سیاوش و فرود و دوجلد از شروح شادروان دکتر عزیزالله جوینی (انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵) بر دستنویس موزه فلورانس بهره‌مند شده است.

در ادامه بایسته است از لطف و عنایات و راهنمایی‌های بی‌دریغ دانشمندان فرزانه و بزرگواری که شاگردنوازی نموده و نکات ارزشمندی را یادآور شده و این جانب را در به ثمر رسیدن این پژوهش یاری کرده‌اند، صمیمانه قدردانی کنم؛ به‌ویژه جناب استاد دکتر منصور رستگار فسایی، جناب استاد دکتر محمدجعفر یاحقی و جناب استاد دکتر محمد غلامرضایی. و سپاس ویژه خود را به پیشگاه استادان فرزانه جناب آقای دکتر محمدرضا صرفی و جناب آقای دکتر محمود مدبری تقدیم می‌نمایم.

در خاتمه این دیباچه وظیفه خود می‌دانم، مراتب سپاس و امتنان خود را به استاد دانشمند جناب آقای دکتر امید مجد تقدیم نمایم که با لطف و سعه صدر و محبتشان انتشار این کتاب را در سلسله انتشارات مجد پذیرفتند.

و از همکاران رزق‌ار ایشان، به‌ویژه سرکار خانم عاطفه احمدی که زحمت خلاصه کردن و ویرایش منسجم کتاب را پذیرفتند و جناب آقای عباس پورقاسمی که صفحه‌بندی، ویرایش نهایی، تدوین و چاپ نهایی را متقبل گردیدند، سپاسگزاری می‌نمایم. بی‌شک انتشار این اثر پژوهشی به نتیجه زحمات فراوان آن بزرگواران است. در پایان از محضر خوانندگان فرزانه اندیشه‌ور درخواست می‌گردد که راهنمایی‌های صائب خود را از نگارنده دریغ نوزند. از خدا جوییم توفیق ادب

کرمان: تابستان ۱۳۹۹

هوشنگ. م. افشار